



۲۰۱۸/۰۸/۲۷

پوهاند عبدالحی حبیبی

## یونانیان باختری

یکی از وقایع مهمی که در تاریخ کشور ما اهمیت فراوان داشته و مولد اثرهای گوناگون در فکر و زندگانی و آرت و صنعت و ادب و سیاست گردیده است، ظهور یونانیان و آمدن اسکندر به این سرزمین است که مجاری تفکر و هنر و حیات مردم را دو نیم هزار سال قبل ازین در افغانستان تغییر داده است.

اسکندر در زمان حیات خود هنگامیکه باختر را گرفت آرتی بازپس پاریسی را حکمران این سرزمین مقرر داشت. وی بعد از مدت کوتاهی در گذشت و آمین تاس پسر نیکولوس یکی از رجال دربار اسکندر جای او را گرفت اما بعد از مرگ اسکندر به قول آریان حکمرانی باختر و سغدر را استاسانور قبرسی داشت و چون سیلیوکوس یکی از بازماندگان یونانی اسکندر در هند با چندره گوپته در سال ۳۰۳ م صلح کرد، حکمران باختر هم به او اطاعت نمود و هنگامیکه سیلیو گوس به بابل برگشت باختر تا مدت ۵۰ سال در تحت تسلط خاندانش ماند، چنانچه مسکوکات فراوانش در باختر و بخارا کشف شده و هم او مردم بومی باختر را در لشکر خود گرفته بود.

در عصر پادشاه سوم خاندان سیلیوکوس که انتیوکوس دوم ندامداشت، حکمرانان اطراف از مشغولی او به جنگهای مصر استفاده کرده و از اطاعتش بر آمدند و ازان جمله مردم باختر با یونانیانی که درین سرزمین با آداب و فرهنگ باختری آشنا گردیده بودند همدست شدند و اعلان استقلال دادند.

درین وخت در باختر دیو دوتوس حکمرانی داشت و او در حدود ۲۵۶ ق . م به مدد باختریان آزادیخواه اعلان شاهی مستقلی را در باختر داد و حدود سلطنت او تا سغد و مرو و سلسله کوه هندوکش میرسید و چون او باختریان را از تسلط دیگران نجات داده و حکومت آزاد داخلی را تشکیل کرده بود، بنا برین لقب "منجی" یافت.

از دیودوتوس سکه بی در دست است که بر یکطرف آن چهره انتیو کوس دوم و بر روی دیگر آن رب النوع زیوس حامی خاندانش باد و بال نقش است، و ازین بر می آید که وی پیش از اعلان استقلال باختر، سکه سیمین را بنام انتیوکوس سیلیوکوس نشر داده و بعد از استقلال خود در دارالضرب باختر مسکوک طلایی را بحیث پادشاه زده است. این مسکوک طلایی که در پاریس است، بر یک روی خود چهره دیودوتوس و بر روی دیگر برهنه جویپتر (رب النوع رومی آسمان و صاعقه و رعد و برق) دارد که یک عقاب مهم پیش پای او منقوش و بر حاشیه سکه بازلیوز دیودوتوس نوشته شده، یعنی شاه دیودوتوس.

از دودمان دیودوتوس اول فقط یک پسر او بنام دیودوتوس دوم بعد از گذشت پدر در باختر از حدود ۲۵۰ تا ۲۳۰

ق. م حکم رانده، که وی با دولت پارت برخلاف سلطهٔ سیلیوکیدهای شاهی هم آهنگی و روابط خوبی داشت، و چون اساس مؤسس دولت پارت هم از مردم باختر بود، دیودوتوس دوم با او روابط حسنه و پیمان دوستی داشته است و در عصر شاهی او وادی هریرود و شهر هرات نیز در قلمرو باختر شامل گردید و به سغدیان به سغدیان نیز از طرف باختر حکمرانی فرستاده شد.

اما شاهی دودمان دیودوتوس اولی دیری دوام نکرد و یکی از امرای دیودوتوس دوم که ایوتیدیموس نامداشت و حکمران سغدیان بود شورش کرد و پادشاه باختر را کشت و خود وی بحیث پادشاه مستقل باختر شناخته شد. (حدود ۲۲۰ ق. م.)

در عصر رایوتیدیموس باختری پادشاه یونانی شام انتیوکوس سوم از طرف غرب بر دولت پارت حمله آورد و تیری دادشاه پارتی را مغلوب ساخت و در حدود ۲۰۸ ق. م بسوی باختر روی آورد، ازین طرف ایوتیدیموس با ده هزار سوار باختری بر کنار رود ریوس (هریرود) با او در آویخت و چون توان مقاومت نداشت به باختر پس آمد و در شهر زریاسپ پایتخت باختر تا دو سال در محاصره ماند که موقع این شهر را بین مرو و اندخوی شمرده اند.

انتیوکوس درین مدت در نگیانه و اراکوزیه را هم کشود، ولی چون زریاسپ را کشوده نتوانست و طرفین خسته شده بودند، هنگامیکه دریمتریوس شهزادهٔ باختر برای مذاکرات صلح نزد او آمد، دختر خود را بدو داد و بعد از مصالحه از راه کابل و اراکوزیه به سمت غرب و قلمرو سلطنت خود شتافت (۲۰۵ ق. م.).

ایوتیدیموس بعد ازین بتوحید ادارهٔ مملکت کوشید، و حکمران وادی کابل (سوفگازنوس) را مطیع گردانید و از طرف شمال تامورای پامیر و ختن پیش رفت و در غرب مرو رود و هرات و طوس را کشود و پسر خود انتی مارکوس را حکمران آن گردانید و جنوباً تا اراکوزیه در نگیانه یعنی تمام خاک آریانه در قلمرو شاهی او آمد و پسر دیگرش دیمتریوس حکمران این ولایت بود که تمام این مملکت وسیع باصطلاح جغرافیون یونانی هزار شهر داشت و درین عصر روابط فرهنگی و تجارتی دولت یونانیان باختری با هند و چین غربی بر قرار بود و ایوتیدیموس اولین شاهی است که در عصر او هنرمندان و صنعت کاران باختری هنر و صنعت اینجا را به هند ارمغان بردند و بقول راولنسون از يك کتیبهٔ خروشتی پیداست که هنروران یونانی باختری درین عصر بهند رفته و تاثیر هنری خود را در آثار هنرمند نفوذ داده اند. و دورهٔ شاهی ایوتیدیموس باختری را از ۲۲۰ تا ۱۹۰ ق. م شمرده اند که پس از درگذشت او پسرش دیمتریوس در ۱۹۰ ق. م بشاهی رسید و او بعد از فتح تکسیلا در خاک هند تا سواحل گجرات و کاتیا وارد پایتخت موریانته پیش رفت، که این فتوحاتش در نتیجهٔ فعالیت دو جنرال بزرگ او اپلودوتوس و میناندر صورت گرفت، میناندر از یونانیان اوپامیزادی بود که در شهر هوپیان دامنهٔ خواجه سیاران شمالی کابل تولد یافته و اولادش تا حدود ۱۰۰ ق. م در هند شاهی داشته اند.

دیمتریوس در حدود ۱۷۵ ق. م از فتوحات هند به باختر بازگشت و پانتالئون پسر سوم خود را به حکمرانی اراکوزی و سیستان گماشت و دیمتریوس دوم پسر دیگرش حکمران باختر بود، چون پانتالئون حکمدار اراکوزی در گذشت، جای او را برادر چهارمش اگاتوکلیس گرفت.

دیمتریوس در اواخر عمر در هند با نیروی لشکری خویش مشغول ماند، و در همین عصر شخصی از یونانیان باخترا که ابوکراتیدس نامداشت در سال ۱۸۱ ق م در باخترا برخاست و اعلان شاهی داد و سکه زد که بران خود را بازیلپوزمیگالیوس (پادشاه بزرگ - مهاراجه هندی) خواند. و چون دیمتریوس برای بازیابی تاج و تخت خویش کوشید، بجایی نرسید و در گذشت و ابوکراتیدس سلسله سوم شاهان یونانی را در باخترا بنیاد نهاد.

دیمتریوس و جانشینان او سکه های فراوان در سرتاسر قلمرو خود زده اند و همین پادشاه شهرهای دیمتریاس اراکوزی (کلات) ایوتیدمیا (سیالکوت) دیمتریاس سند (تیسپاله) و ته اوفیلیا (در دلتای سند) را بنا نهاده بوده که شهر دوم بنام پدر او و شهر چهارم بنام مادرش تسمیه شده است.

اما هنگامیکه ابوکراتیدس بر دیمتریوس چیره آمد مناندر حکمران سرزمینهای شرقی آریانه با او سر مقابلهت داشت و تا سال ۱۸۶ ق م بین ایشان بیکارها رفت، تا که بالاخره ابوکراتیدس موفق آمد و تمام خاک مملکت را بدست آورد ولی از طرف غرب مهرداد اول پادشاه پارت ایالات غربی کشور را گرفت و اختلافی که بین خاندان دیمتریوس و ابوکراتیدس پدید آمده بود سلطنت باخترا را ضعیف ساخت و در حوالی ۱۳۵ ق م مرکز آمی از شمال هندوکش به کاپیسا انتقال یافت و پسر ابوکراتیدس هیلوکلیس که در حدود ۱۴۷ ق م به تخت شاهی رسیده بود آخرین پادشاه یونانی باخترا شمرده میشود که بعد از ترك صفحات شمال هندوکش قلمرو شاهی خود را تا نهایت ولایت گندهارا یعنی تکسیلا و جیلم بسط داده بود.

بعد از هیلوکلیس ده نفر جانشینان او در کابل و گندهارا و پنجاب حکم رانده اند، که از ان جمله انتیال کیداس، آمین کیداس و هرمایوس در حوالی ۳۰ ق م آخرین پادشاه یونانی کابل مشهورتر اند و علت سقوط شاهان یونانی باخترا ظهور قبایل ساکاوسیتی است که این شاهی را در نصف اول قرن اول ق م خاتمه دادند و بدین ترتیب سلطه ایشان بعد از دو نیم صد سال بپایان رسید و درین مدت از عصر دیودوتس تا حدود ۱۰۰ ق م سی و شش پادشاه و یک ملکه از ایشان در افغانستان و هند حکم رانده و به بسط فرهنگ و هنر یونانی در آریانه و هند پرداخته اند که پرستش ارباب انواع و صنعت و افکار و فلسفه و زبان و رسم الخط و دیگر مظاهر فرهنگ یونانی درین مدت در سرتاسر خاک آریانه با عناصر فرهنگی محلی و بودایی مزج یافته و فرهنگ خاص یونان و باخترا و گریکو بودیک را به وجود آورده است که نفوذ آن تا دوره اسلام دوام داشت و اکنون اگر دل زمین را در بقایای شهرهای کهنه و تپه های قدیمه بشگافیم آثار این صنعت را بشکل بتان و زیورها و ظروف و غیره فراوان می یابیم و همین هنر بت سازی گندهارا بود که بسبب زیبایی و دلکشی مصنوعات آن در ادب دری قدیم به تغیر "بت قندهارا" دخیل گشت و شاعران ماهر شکل زیبا و چهره دلکش را بت قندهارا گفتند که از ان جمله است این بیت سنایی غزنوی:

تلخ گردد عیش شیرین بتان قندهارا چون بگاه بذله، زان لب لطف باری ای پسر

این بود مبداء پیدایش سلطنت و آرت و هنر یونانی در افغانستان که اکنون آثار آن بصورت یک شهر بزرگ در آی خانم تالقان کشف شده و کاوش آن از طرف باستان شناسان جاریست(۱).

(۱) مجله پینتون ریغ، سال ۱۳۴۶ ش، شماره های ۶ و ۷.